

تحلیل ژئوپلیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران در پسابیداری اسلامی بر

اساس مدل رفتاری رابرت ویلیام مک کول

شهاب زمانی^۱، حامد محقق‌نیا^۲، حسین کریمی فرد^۳، آسیه مهدی‌پور^۴

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۲۲

چکیده

خاورمیانه، به سبب دو مولفه «انرژی» و «مسائل ایدئولوژیکی»، همواره کانون تنش، بحران، ناامنی و جنگ بوده است. مولفه نخست، عامل مهمی جهت نفوذ، حضور و فعالیت گسترده قدرت‌های بین‌المللی و مسائل ایدئولوژیکی همچون بنیادگرایی، صهیونیسم، اسلام سنی و مقاومت شیعیان، عامل اثرگذاری برای تشدید ناامنی بوده است. مجموع عوامل مذکور، منطقه خاورمیانه را با تشدید و تعمیق تنش‌های متعددی مواجه و کشورهای این منطقه را در اتخاذ و اجرای رفتارهای سیاسی و ژئوپلیتیکی در وضعیتی چندجانبه و پیچیده قرار داده است. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر، تحلیل ژئوپلیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه و در خلال سال‌های پسابیداری اسلامی (بعد از ۲۰۱۰م.) است. این مقاله با بهره‌گیری از مدل رفتاری «رابرت ویلیام مک کول» و با روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخگویی به این سؤال اصلی است که: «ژئوپلیتیک رفتاری جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه در پسابیداری اسلامی را چگونه می‌توان تحلیل نمود؟» فرضیه پژوهش حاضر بر این موضوع دلالت دارد که جمهوری اسلامی ایران بر اساس میزان یا ضریب اهمیتی که برای نقاط کانونی خاورمیانه در نظر گرفته، اقدام به رفتارهای سیاسی و ژئوپلیتیکی نسبت به آنها کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، رفتار ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در قبال تحركات گروه‌های تروریستی در اقلیم کردستان عراق، ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی و ناامنی در مرزهای شرقی کشور ذیل «مناطق جنگی»، در قبال سوریه، عراق، لبنان، فلسطین اشغالی و یمن ذیل «مناطق حساس» و در قبال بحرین، افغانستان و مصر ذیل «مناطق عقب‌نشینی» قرار داد.

واژگان کلیدی: امنیت، پسابیداری اسلامی، تحلیل رفتاری، جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک.

۱. گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. رایانامه: sh.zamani@iau.ac.ir

۲. گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: hm1354@iau.ac.ir

۳. گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران. رایانامه: Hk.karimi@iau.ac.ir

۴. گروه علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: assmahdipour@scu.ac.ir

۱. مقدمه

مفهوم «رفتار سیاسی»^۱، به معنای اعمال یا انجام رفتارهایی آگاهانه جهت نفوذ بر افراد، گروه‌ها و یا در سطح گسترده‌تر، کشورها است، تا بتوان بر اساس آن به اهداف موردنظر دست یافت و یا از اهداف موردنظر گذشته حفظ و حراست نمود (پول^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). این رفتارها ممکن است در شرایط گوناگون با راه‌حل‌های مختلف همچون مذاکره، صلح، سازش، جنگ، ترور، کودتا و... محقق شود (کراپنکین^۳ و همکاران، ۲۰۲۳: ۱۵۵۲).

رفتار سیاسی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل بحث است. در سطح ملی، عمده رفتارهای سیاسی با مسائلی همچون حقوق شهروندی، آزادی بیان، قانون، رفاه، مجلس و پارلمان، احزاب، مطبوعات، رسانه و مشارکت سیاسی و... مرتبط است (گریفیتس، ۱۴۰۳: ۵۱؛ یورگنسن، ۱۴۰۲: ۱۹). در سطح منطقه‌ای، مسائل مهمی همچون مسائل ژئوپلیتیکی، ترانزیت انرژی، امنیت مرزها، تعاملات و تبادلات اقتصادی مورد بحث و توجه است. در سطح بین‌المللی نیز گذشته از مسائل اقتصادی و تجاری، مفهوم امنیت و بقا حائز اهمیت است (میچالسکی^۴ و همکاران، ۲۰۲۳: ۵۲۱).

شرایط و عوامل مختلفی بر رفتار یا رفتارهای سیاسی اثرگذارند. به عنوان مثال، شرایط صلح و آرامش و یا بحران و جنگ و شرایط پرتنشی همچون تحریم و تهدید، هر یک عواملی هستند که بر رفتار سیاسی اثرگذارند (سانستین، ۱۴۰۱: ۲۶). به طور کلی، رفتار سیاسی از هر نوع و در هر سطحی که مورد بحث واقع شود، مفهوم مهم «منافع» را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد.

مسئله اصلی پژوهش حاضر، تحلیل و تبیین رفتار ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در پساایداری اسلامی در راستای دستیابی به اهداف و منافع ملی است. منطقه خاورمیانه به سبب دو مسئله مهم انرژی و مسائل ایدئولوژیکی، یکی از مهم‌ترین و شاید اصلی‌ترین کانون تنش‌های امنیتی، نظامی و ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود. از یک‌سو، کثرت منابع

1. Theories of Political Behavior
2. Poul
3. Krupenkin
4. Michalski

انرژی، خاورمیانه را کانون حضور قدرت‌های بین‌المللی کرده است؛ از سویی دیگر، مباحث ایدئولوژیکی همچون بنیادگرایی (خوانشی افراطی از اسلام سنتی)، اندیشه‌های صهیونیستی (برتری‌طلبی و انحصارگرایی یهودیان)، ایدئولوژی پان‌ترکسیم (احیای عثمانی‌گری) و مقاومت شیعیان (مبارزه برای آزادی مبتنی بر اندیشه‌های عاشورا و مهدویت) در عمل این منطقه را جولانگاه جنگ، تروریسم، خشونت و ناامنی کرده است. بنابراین، اصل مهم و مورد تأکید درخصوص کشورهای خاورمیانه این است که، منافع ملی را بایستی بر اساس دو عنصر مذکور مورد بررسی و تحلیل قرار داد (بندری و عالیشاهی^۱، ۲۰۲۴: ۶۳).

در این رابطه، ج.ا.ایران به‌مثابه رهبر جنبش مقاومت در منطقه، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، بخش مهمی از سیاست و روابط بین‌المللی و منطقه‌ای خود را بر اساس حمایت از جنبش‌های اسلامی و مبارز قرار داده است؛ زیرا از دیدگاه رهبران دینی و سیاسی ج.ا.ایران، بخش بسیار مهمی از چالش‌های موجود در جهان اسلام، به سبب حضور، فعالیت، توطئه و کارشکنی ایالات متحده، انگلستان و رژیم صهیونیستی است. به همین سبب، ضمن مقابله و مبارزه با استکبار جهانی بایستی به سایر جنبش‌های اسلامی و حتی غیراسلامی مبارز در این راستای یاری رساند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۴۰۲: ۷۸). این موضوع، به عامل مهمی جهت بسط و تعمیق روابط ایدئولوژیکی، امنیتی و نظامی ج.ا.ایران در منطقه تبدیل شد، به نحوی که در اندک زمانی بعد، «حزب‌الله» لبنان، مقاومت فلسطین (حماس) و بعدها علویان سوریه، شبه‌نظامیان «حشدالشعبی» عراق، «انصارالله» یمن و «فاطمیون» افغانستان به متحدین راهبردی ج.ا.ایران در منطقه مبدل گردیدند (بندری و همکاران، ۱۴۰۳: ۳).

در این زمینه بررسی دو موضوع زیر بسیار حائز اهمیت است؛

- ❖ نخست: بررسی اهداف ج.ا.ایران از حمایت‌های گسترده نظامی، لجستیکی و حضور مستشاران نظامی در کشورهای مذکور؛
- ❖ دوم: قرار دادن کشورهای مذکور ذیل منافع ملی و امنیتی ج.ا.ایران.

در خصوص موضوع نخست، ج.ا.ایران بر اساس مبانی ایدئولوژیکی شیعه، ابتدا قائل به مقابله، مبارزه و مقاومت در برابر دشمنان بوده و در این رابطه خود را موظف به حمایت از سایر جنبش‌هایی می‌داند که در این راستا فعال هستند. در خصوص موضوع دوم نیز، ج.ا.ایران بر اساس مبانی امنیتی و راهبردی خود، کشورهایی همچون سوریه، لبنان، عراق، افغانستان، یمن و همچنین اراضی اشغالی فلسطین را به‌مثابه نقاط حساس، امنیتی و کانونی تلقی می‌کند. بنابراین هرگونه تهدیدات امنیتی، نظامی و ژئوپلیتیکی در این مناطق را تهدیدی جدی تلقی خواهد شد.

با این مقدمات، هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه پاسخی متقن، مستدل و بدون هرگونه داوری ارزشی به این سؤال اصلی است که: «ژئوپلیتیک رفتاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه» را در پسابیداری اسلامی چگونه می‌توان تحلیل نمود؟» فرضیه پژوهش بر این مبنا قرار دارد که، رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در این بازه زمانی، ارتقا قدرت بازدارندگی در راستای افزایش امنیت ملی بوده و در ادامه بر اساس میزان اهمیتی که برای نقاط مختلف خاورمیانه در نظر گرفته است، اقدام به رفتارهای سیاسی و ژئوپلیتیکی نموده است.

۲. مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه پژوهش، بایستی به این نکته مهم توجه کرد که طیف وسیعی از پژوهش‌های داخلی و خارجی با محوریت تحلیل و تبیین رفتارهای ج.ا.ایران در منطقه خاورمیانه با بهره‌گیری از عوامل مختلف به رشته تحریر درآمده‌اند؛ اما دو خلأ وجود دارد:

❖ اول، پژوهشی با محوریت تحلیل «ژئوپلیتیک رفتاری ج.ا.ایران» با تأکید بر نظریه ژئوپلیتیکی «رابرت ویلیام مک‌کول» تدوین نشده است؛

❖ دوم، پژوهشی که ابعاد چندگانه امنیت، جنگ، پرستیژ و منافع را در سطوح مختلف منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده باشد، انجام نشد.

موارد مذکور، مهم‌ترین دلایل نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌شوند. برخی از جدیدترین و مرتبط‌ترین پژوهش‌های صورت پذیرفته در ذیل بررسی خواهند شد:

«شاملو» مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس» (۱۴۰۳) منتشر کرده است. بر اساس یافته‌های پژوهش علی‌رغم اینکه روابط ج.ا.ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس در برخی از برهه‌های زمانی روابطی مبتنی بر تنش و سوء تفاهم بوده است؛ اما عواملی همچون دین اسلام، ژئوپلیتیک مشترک، نفت و ساختارهای قومی-قبیله‌ای باعث نزدیکی و برخی مشابهات شده است.

«صفری برمچی» و همکاران در مقاله‌ای مشترک تحت عنوان «امکان‌سنجی اتخاذ رویکرد ژئوپلیتیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه اسلامی روابط بین‌الملل» (۱۴۰۳) اذعان کردند که تلفیق نظریه اسلامی در روابط بین‌الملل با مطالعات ژئوپلیتیکی، یک چارچوب مفهومی با قدرت تبیین بالا برای بررسی سیاست خارجی ایران فراهم می‌کند.

«جان پرور» و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله‌ای به تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر الگوی مناسبات ژئوپلیتیک در منطقه خاورمیانه پرداختند.

«ملاقیدی» و همکاران، مقاله‌ای مشترک با عنوان «نقش رقابت‌های ژئوپلیتیکی در تهاجمی‌شدن سیاست خارجی عربستان در قبال ایران» (۱۴۰۳) منتشر کرده‌اند. به باور نویسندگان در این پژوهش، تغییر ساختار ژئوپلیتیک تنش‌زای منطقه برای کنترل بی‌ثباتی‌های خاورمیانه و ساماندهی به رقابت‌های ژئوپلیتیکی ریاض و تهران، ضروری بوده و در این رابطه عربستان ناگزیر از تجدیدنظر در رویکرد و رفتارهای تهاجمی خود است.

«گل کرمی» و «متقی»، مقاله‌ای با عنوان «تبیین طیف رفتاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس: تقابل سیاست خارجی وضعیت محور و ژئوپلیتیک موقعیت محور» (۱۴۰۱) منتشر کرده‌اند. بر اساس نتایج پژوهش سیاست خارجی ج.ا.ایران در منطقه طیفی از مناسبات از هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تا جنگ را دربرگرفته است؛ درواقع این سیاست‌ها بیش از آنکه متکی بر انطباق کارکردی و واقعیت‌های «موقعیت محور»^۲، گداهای ژئوپلیتیک کشور با گداهای منطقه باشد، تابع عوامل وضعیت محور سیاسی روز است. ازاین‌رو، برای

دستیابی به سیاست خارجی بر پایه موقعیت محوری ژئوپلیتیک، که تبیین‌کننده فرصت‌ها و تنگناهای پیش‌روی دولت‌های این منطقه در رابطه با همدیگر باشد، فاصله بسیار است.

«کلایتون»^۱ پژوهشی با عنوان «بررسی پیشینه و عوامل اثرگذار بر آینده روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده با تأکید بر ژئوپلیتیک بحران در منطقه خاورمیانه» (۲۰۲۴) انجام داده است. طبق یافته‌های پژوهش، نفوذ امنیتی ج.ا.ایران در منطقه خاورمیانه و تلاش برای بسط ایدئولوژی ضد صهیونیسم، تقویت لجستیکی متحدین راهبردی و نیز توسعه روزافزون قدرت نظامی، مهم‌ترین تهدیدات بالقوه و روزافزون ج.ا.ایران برای ایالات متحده و متحدین راهبردی آن در منطقه به‌شمار می‌روند.

«حداد»^۲، پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل نبردهای نیابتی: عراق، ایران و آشفتگی در خاورمیانه» (۲۰۲۴) تدوین کرده است. بر اساس این پژوهش، موضوع دور کردن مرزهای جنگ از درون جغرافیای سیاسی ج.ا.ایران و پیوند عمیق ایدئولوژی به‌ویژه تشیع میان دو کشور ایران و عراق، باعث شده که امروزه ج.ا.ایران در سیاست تقویت قوای نظامی متحدین شیعی خود در منطقه به‌خصوص عراق، بسیار موفق اقدام نماید. این موضوع به لحاظ امنیتی-سیاسی دستاوردی بزرگ برای ایران محسوب می‌شود.

«آراس» و «کارداس»^۳، پژوهشی مشترک با عنوان «بررسی ماهیت کارکردی ژئوپلیتیک خاورمیانه جدید» (۲۰۲۱) انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که منفعت بسیاری از کشورهای خاورمیانه در ضدیت و تعارض با امنیت رقبای آنان پیوند خورده است؛ این موضوع، امنیت منطقه را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. به‌عنوان نمونه، منافع ژئوپلیتیکی کردستان عراق، امنیت ترکیه و سوریه را با تهدید مواجه کرده است و بسط روابط اقتصادی آذربایجان و رژیم صهیونیستی، امنیت ج.ا.ایران. به همین سبب، منافع ملی بسیاری از کشورها در منطقه، در عمل به تعمیق تنش‌های امنیتی منتهی شده است.

1. Clayton
2. Hadad
3. Aras & Kardas

۲-۲. مبانی نظری

مدل رفتاری «رابرت مک‌کول»^۱ در حوزه ژئوپلیتیک و تحلیل تصمیم‌گیری دولتها در مناطق مختلف جهان، کاربرد گسترده‌ای دارد. این مدل رفتاری، نسبت به سایر نظریه‌های ژئوپلیتیکی همچون هارتلند، قدرت دریایی، ریملند، منطقه تصمیم و... کمتر شناخته شده است؛ درحالی‌که نمایش‌دهنده میزان توجه دولتها به مناطقی است که می‌تواند با امنیت ملی آنها، مرتبط بوده و یا نباشد، تا زمینه‌ساز مداخله نظامی آنها را فراهم و یا در مسیر مذاکره قرار دهد (میرحیدر، ۱۴۰۳: ۶۱).

مدل رفتاری رابرت مک‌کول از امتیاز ویژه‌ای برخوردار است که آن را از سایر نظریه‌های جبرگرایانه ژئوپلیتیکی متمایز می‌کند. در حقیقت برخلاف سایر نظریه‌های ژئوپلیتیکی کلاسیک که در آنها «موقعیت جغرافیایی» نقش محوری دارد و انسان‌ها (تصمیم‌گیران و کنشگران سیاسی) تسلیم جبر جغرافیایی می‌شوند، مدل رفتاری مک‌کول، در پی توجه به «نقش و جایگاه انسان» به‌عنوان کنشگر اصلی در معادلات سیاسی و ژئوپلیتیکی است و از آنجا که در غالب تصمیمات مربوط به حوزه سیاست خارجی، انسان نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ لذا توجه به حساسیت‌ها و مسائل موردنظر انسان در این زمینه، بسیار حائز اهمیت است (مک‌کول، ۲۰۱۰: ۷).

بهره‌گیری از این مدل رفتاری می‌تواند تصویری مناسب از عملکرد سیاست خارجی کشورها ارائه دهد. کشورها در عرصه روابط بین‌الملل همواره دارای یک حوزه امنیتی فعال و مهم هستند که مرزهای آن ممکن است فراتر از مرزهای سیاسی بین‌المللی باشد. مناطقی که درون این حلقه امنیتی قرار دارند اعم از سرزمین‌های ملی و یا غیر آن از دید این ملت‌ها در موجودیت و بقای کشور نقشی حیاتی دارند؛ به همین دلیل اگر مورد تجاوز قرار گیرند، وقوع جنگ و درگیری را در پی دارند (مک‌کول، ۲۰۱۰: ۶۶). خارج از این محدوده، دولت‌های قدرتمند نسبت به برخی مناطق به دلیل اهمیت اقتصادی و یا استراتژیک آنها حساسیت خاصی دارند و بالاخره در مرحله سوم به مناطقی برمی‌خوریم که مکانی برای مانور قدرت‌های بزرگ به حساب می‌آیند و به هیچ‌وجه موجودیت و بقای آنها را تهدید

نمی‌کند. شناسایی و طبقه‌بندی این مناطق به‌منظور جلوگیری از بروز جنگ‌های ناخواسته و یا پیش‌بینی و کنترل واکنش ملت‌ها و یا گروه‌ها نسبت به تهدیدات احتمالی ضروری است (مک‌کول، ۲۰۰۹: ۸۴).

رابرت مک‌کول، مدل ژئوپلیتیکی رفتاری خود را پیشنهاد می‌کند. در حقیقت این اولویت‌بندی‌ها و درجه اهمیت گوناگون مناطق مختلف برای کشورها سبب شده که بتوان نوعی نظم و الگوی منطقی را از روابط آنها استخراج کرد که از سوی تمامی کشورها در مناطق مختلف که از درجه اهمیت یکسانی برخوردار هستند، شاهد باشیم. از ماحصل اولویت‌بندی مناطق ژئوپلیتیکی در معادلات قدرت و نقش این مناطق در بقای ملی به‌طور کلی سه منطقه گوناگون و مجزا قابل تفکیک هستند. این مناطق به ترتیب عبارت‌اند از: مناطق جنگ، مناطق حساس و مناطق عقب‌نشینی (مک‌کول، ۲۰۰۸: ۶۶).

مناطق سه‌گانه فوق، از نظر شاخص‌های گوناگونی نظیر درجه اهمیت، شدت و ضعف واکنش دولت‌ها، موقعیت جغرافیایی، ارزش راهبردی یا تاکتیکی، میزان پیوند با سرزمین مادر، ایدئولوژی مشترک، داشتن پیشینه تاریخی، همگونی قومی، زبانی، مذهبی، نژادی و... قابل تفکیک هستند. در حقیقت همه‌ی کشورها با توجه به میزان قدرتشان، تعریف و تفسیر خاصی از مناطق سه‌گانه ارائه می‌دهند که گاهی منطبق با واقعیات و وزن ژئوپلیتیکی آنهاست و بعضاً نوعی جاه‌طلبی و آرمانگرایی در آن به چشم می‌خورد (مک‌کول، ۲۰۱۲: ۹۸). از دیدگاه مک‌کول، مکان‌یابی این مناطق رفتاری از طریق تحلیل جغرافیایی میسر است؛ در ضمن می‌توان رفتار ملل، به‌ویژه واکنش نسبت به تجاوز عملی یا ذهنی به این قلمروها را پیش‌بینی نمود (مک‌کول، ۲۰۱۲: ۱۴۴-۱۴۵).

❖ مناطق جنگ

این مناطق به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که حضور رقیب، دشمن و یا هر حضور ناخوانده در آنها قابل تحمل نیست؛ زیرا تهدید آشکار نسبت به موجودیت کشور تلقی می‌شود. برای حفظ این مناطق از تهدیدات احتمالی و دفاع از آنها در صورت وقوع تجاوز، هر عمل یا رفتاری موجه است؛ البته با توجه به تکنولوژی مدرن، مناطق جنگ لزوماً نباید به خاک

اصلی کشور متصل باشند. به عنوان مثال، بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲م. نشان داد که کوبا در شمار مناطق جنگ ایالات متحده آمریکا قرار دارد. توضیح اینکه، دریای کارائیب به عنوان حوزه نفوذ آمریکا سپر محافظتی آن دولت هم محسوب می‌شود؛ بنابراین حضور هر نیروی خارجی تهدیدآمیز تلقی می‌شود.

❖ مناطق حساس

مناطق حساس را به سختی می‌توان از نظر ژئوپلیتیکی تعریف و مکان‌یابی نمود. آنها غالباً اهمیتی مشابه مناطق جنگ دارند و اگر مورد حمله قرار گیرند، احساسات شدید و فوری دفاعی را برمی‌انگیزند. تمایز عمده این منطقه با مناطق جنگ، رفتاری است؛ به این معنا که میان حمله و خواست برای مذاکره، تردید وجود دارد. درحالی‌که منطقه جنگ قابل مذاکره نیست و برای حفظ بقا، کنترل آن ضروری است. در حقیقت عامل تمایز این مناطق از مناطق جنگ فارغ از ارزش ذاتی این مناطق، تصمیم، خواست و اراده انسانی است که در مواقعی برای برخی مناطق چنین ارزشی را قائل می‌شود. از این رو، برخلاف مناطق جنگ که از ثبات بیشتری برخوردارند، این مناطق به دلایل گوناگون سیاسی، تکنولوژیکی و... با تغییر و تحولاتی مواجه هستند.

❖ مناطق عقب‌نشینی

مناطق عقب‌نشینی معمولاً در مکان‌هایی قرار دارند که برای دولت‌ها حائز اهمیت چندانی نیستند. در این گونه مناطق، پرستیژ ملی ممکن است در مخاطره باشد ولی بقای ملی مورد تهدید نیست. بنابراین، دفاع از این مناطق ارزش جنگ و یا کشته شدن را ندارد. اغلب فاصله زیاد و فقدان منابع مهم در بی‌اهمیت جلوه دادن این مناطق نقش دارند. ارزیابی «ژنرال دوگل» از موقعیت فرانسه در ناتو این بود که، چون در یک جنگ اتمی احتمالی، دولت آمریکا به‌طور حتم خود را برای حفظ فرانسه به خطر نمی‌اندازد پس بهتر است از آن خارج شود (مک‌کول، ۲۰۰۹: ۳۳-۳۷)

مدل رفتاری رابرت مک‌کول، با ارائه تقسیم‌بندی سه‌گانه از محیط ژئوپلیتیکی کشورها به نظر چارچوبی مناسب برای تجزیه و تحلیل سیاست خارجی کشورها از جمله ج.ا.ایران

فراهم می‌آورد؛ زیرا ایران با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی خود، به‌طور دائم با جهان خارج در تعامل است. به همین دلیل ضروری است سیاست خارجی ایران در ابعاد مختلف تبیین گردد تا با معرفی بهتر مبانی و ابعاد نظری سیاست خارجی ج.ا.ایران زمینه‌های فهم بهتر آن برای جهانیان فراهم شود.

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های تحقیق با استفاده از روش کتابخانه‌ای به‌دست آمده است.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. تحلیلی بر ژئوپلیتیک رفتاری ج.ا.ایران در پساایداری اسلامی

وقوع تحولات عظیمی همچون تحول در ساختار قدرت بین‌المللی، تحول در عرصه علم، فناوری، ارتباطات و اطلاعات، اقتصاد، سیاست و... جهان امروز را با آشوب‌ها و پیچیدگی‌های خاصی روبه‌رو ساخته است؛ لذا شناخت و درک درست از محیط بین‌المللی، در شکل‌دهی به سیاست‌های دفاعی و موفقیت در آنها، نقش بسزایی دارد (یوسف‌وند و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۱۳). از سویی دیگر، «از نظر اسلام، صلح اصل است و جهاد نیز ماهیت دفاعی دارد» (زارعی، ۱۳۹۷: ۶۸۷). ازاین‌رو، اساس سیاست خارجی ج.ا.ایران بر مبنای صلح و عدم مداخله در امور سیاسی کشورهای دیگر بنا شده است. موضوعی که در اصل ۱۵۴ قانون اساسی بدان تأکید شده است (جاوید و محمدی، ۱۳۹۵: ۷)؛ اما بر اساس درخواست کمک و حمایت رسمی و قانونی کشورهای دیگر جهت مبارزه حق‌طلبانه در برابر مستکبرین، ج.ا.ایران خود را موظف به حمایت از آنان در هر نقطه از جهان می‌داند. بنابراین، موضوع مهم در گام نخست درخواست رسمی و قانونی کشورهای مقصد از ایران جهت حمایت و یاری از آنان در برابر دشمنان داخلی، منطقه‌ای یا خارجی است. موضوع دوم، بررسی منافع و اهداف موردنظر ج.ا.ایران در رابطه است. در ادامه به بررسی این موضوع خواهیم پرداخت.

۱-۱-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر اساس مناطق جنگ

بر اساس مدل رفتاری رابرت مک‌کول، منطقه جنگ به مکان‌هایی اطلاق می‌شود که حضور رقیب، دشمن و یا هر حضور ناخوانده، تجاوز آشکار تلقی شده و به‌هیچ‌عنوان قابل تسامح، مذاکره و پذیرفتنی نیست؛ بنابراین برخورد سریع، قاطع و اثربخش را از سوی کشور مورد تجاوز می‌طلبد. در خصوص مناطق جنگ دو موضوع مهم دیگر را نیز بایستی بدان توجه نمود:

❖ نخست؛ منطقه جنگی، لزوماً به معنای آغاز جنگ، نبرد و بحران نیست بلکه می‌تواند آغازی بر تنش، بحران و مسائل امنیتی نیز محسوب گردد. به عنوان مثال، تهدید روسیه به جنگ با کشورهای اروپای شرقی و یا جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی، به دلیل عضویت در ناتو می‌تواند این کشورها را ذیل مناطق جنگی روسیه قرار دهد؛ آن‌گونه که فشارهای مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی به اوکراین را می‌توان از این منظر مورد توجه قرار داد.

❖ دوم؛ با توجه به تکنولوژی مدرن، مناطق جنگ لزوماً نباید به خاک اصلی کشور متصل باشند بلکه عواملی همچون قرابت فرهنگی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و حتی مذهبی می‌تواند کشورهای دیگر را به مثابه بخشی از کشور حامی قرار دهد.

بر این اساس، در تحلیل رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر اساس منطقه جنگ، نویسندگان به اقدامات تحریک‌آمیز اقلیم کردستان عراق، گروه‌های تروریستی فعال در مرزهای شرقی کشور و ادعاهای امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) پرداخته‌اند.

۱-۱-۱-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال منطقه مرزی پاکستان

مرزها و مناطق مرزی شرق ج.ا.ایران در طی سه دهه گذشته، به دلیل شرایط اقلیمی، اقتصادی، اجتماعی در داخل و وضعیت خاص امنیتی و سیاسی با چالش‌ها و تهدیدات امنیتی متعددی روبه‌رو بوده‌اند. فقدان امکانات لازم برای پایش مداوم مناطق استراتژیک، گستردگی مرزها، بی‌ثباتی دولت‌های همسایه یا اتخاذ سیاست‌های خصمانه از طرف آنها و وجود گروه‌های تکفیری، همواره بر این چالش‌ها افزوده است. از این رو، ایجاد امنیت پایدار

در منطقه شرق کشور از دغدغه‌های همیشگی سیاستگذاران امنیتی کشور بوده است (اخباری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۹۳).

فعالیت گروه‌های تروریستی و یا جدایی طلب در منطقه بلوچستان پاکستان همواره تهدیدات امنیتی بالقوه‌ای برای ج.ا.ایران، پاکستان، افغانستان و حتی هندوستان ایجاد کرده است. تشدید فعالیت‌های تروریستی در کنار ترانزیت مواد مخدر و حضور دامنه‌دار و تردهای بعضاً آسان تروریست‌ها در مرزهای شرقی و جنوب شرقی ایران در خلال یک دهه اخیر، دامنه آن بسیار گسترده شده و پیامدهای متعددی علیه امنیت ج.ا.ایران ایجاد کرده است. به عنوان مثال، گروهک تروریستی «جیش العدل» با خوانشی افراطی از اسلام سنی و ناسیونالیسم بلوچ، علناً علیه مواضع حکومت مرکزی ج.ا.ایران اعلان جنگ نموده و ضمن انجام اقدامات تروریستی گسترده، امواجی از ناامنی، ترانزیت مواد مخدر، قاچاق اسلحه، سوخت، گروگانگیری و اخیراً جذب گسترده نیروهای مخالف حکومت مرکزی ایران را در دستورکار خود قرار داده است (رضاپور، ۱۴۰۳: ۶۰۴).

در این میان، معضل بزرگی که وجود دارد، سهولت تردد تروریست‌ها از مرزهای درونی پاکستان بوده است. بر این اساس، ج.ا.ایران بارها ضمن دعوت به همکاری کشورهای پاکستان و افغانستان در ایجاد یک کمربند امنیتی کارآمد و اثربخش در مبارزه با تروریست‌ها و اعلام آمادگی تلویحی کشورهای مذکور، در عمل با کوتاهی و حتی کارشکنی آنان در برخورد قاطع با تروریست‌ها مواجه شده است. به نحوی که اقدامات تروریستی گروهک مذکور، نه تنها کاهش نیافت بلکه دامنه ناامنی‌ها آشکارا به مراکز نظامی، پاسگاه‌های انتظامی، مساجد شیعیان، ترور مسئولین حکومتی و حمله به مراکز اداری-نظامی دولتی افزایش چشمگیری یافته و پس از اقدام به چنین تحرکات ضدامنیتی و تروریستی به سهولت به درون مرزهای پاکستان بازمی‌گشتند. ج.ا.ایران ضمن انتقاد گسترده، کشور پاکستان را به سبب اهمال و کوتاهی در برخورد با تروریست‌ها و نابودی مراکز و پایگاه‌های نظامی آنان، مورد عتاب دیپلماتیک قرار داد.

ج.ا.ایران به دلایلی فقدان عزم جدی پاکستان در برخورد قاطع با گروهک‌های تروریستی را دریافته است:

❖ اول، پاکستان به سبب گستردگی مرزهای جغرافیایی توانمندی برخورد قاطعانه و اثربخش را حداقل در کوتاه‌مدت ندارد؛

❖ دوم، به نظر می‌رسد، پاکستان سعی دارد از ج.ا.ایران در قبال برخورد با تروریست‌ها، امتیازات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای مطالبه نماید؛

❖ سوم، به نظر می‌رسد به سبب روابط بعضاً گسترده امنیتی-اطلاعاتی پاکستان با ایالات متحده، این کشور عاملان در برخورد با تروریست‌ها اهمال می‌ورزد؛ زیرا ناامنی مرزهای ج.ا.ایران در شرق و غرب از موضوعات موردنظر و تأکید ایالات متحده بوده است؛

❖ چهارم، بایستی مجموعه مباحث فرهنگی، ناسیونالیستی، مذهبی منطقه را نیز مدنظر قرار داد؛ زیرا پاکستان به لحاظ مذهبی و ناسیونالیستی قربات‌های نه‌چندان دوری با گروهک‌های مخالف ج.ا.ایران دارد.

۲-۱-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال جزایر سه‌گانه و ادعاهای مطرح شده

دومین رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران با تأکید بر مناطق جنگی را بایستی به موضوع ادعایی امارات متحده عربی نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی «تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی» در خلیج فارس دانست که در جغرافیای سیاسی ایران و حاکمیت سرزمینی همانند سایر موضوعات ارضی و مرزی ایران، از اهمیت بسزایی برخوردار است.

تشکیل شورای همکاری خلیج فارس با تضاد ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، دو سال پس از وقوع انقلاب ایران، از موضوعات قابل توجه است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، علی‌رغم اختلافات داخلی، استفاده ابزاری از موضوع جزایر سه‌گانه را جهت اتحاد مواضع و همدلی فی‌مابین خود، به امری رایج تبدیل نموده‌اند؛ به‌طوری‌که در اکثر بیانیه‌های پایانی اجلاس‌های این شورا و نشست‌های اتحادیه عرب، از موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی به‌عنوان امری مورد اتحاد فی‌مابین خود بهره‌برداری سوء می‌نمایند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۲). با این حال، ادعای امارات متحده عربی، به دفعات از گذشته توسط

مقامات ج.ا.ایران رد شده و بارها بر تعلق جزایر سه‌گانه ایرانی به خاک خود تأکید کرده و آنها را جزء لاینفک ایران دانسته است. این ادعا موجب گردید تا ج.ا.ایران، با تجهیز و استقرار تسلیحات و تجهیزات نظامی پیشرفته در این جزایر، سطح حفاظت، آمادگی و عملیات نظامی این جزایر را بالا ببرد؛ این اقدام، پاسخی به هرگونه اظهارنظر مقامات یا کشورهای مدعی است، در برابر هرگونه چشمداشت به تمامیت ارضی ایران است.

۳-۱-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال اقلیم کردستان عراق

منطقه اقلیم کردستان عراق، حدود ۱۱ درصد کل سرزمین عراق را شامل می‌شود، با این حال، احزاب فعال اقلیم کردستان عراق، از گذشته، خود را مستحق تأسیس کشوری مستقل می‌دانند. آنها بر اساس اصولی همچون جمعیت بالا، ذخایر بالای نفت و گاز، اقتصاد پویا و فرهنگ و زبانی مستقل، قائل به کشوری با عنوان کردستان بوده‌اند (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۶). در این رابطه، ج.ا.ایران و ترکیه همواره نسبت به مواضع استقلال‌طلبانه برخی از احزاب رادیکال کردستان، مخالفت قاطع خود را اعلام و مناطق کردنشین خود (دیاربکر در ترکیه و کردستان در ایران) را به‌هیچ‌عنوان قابل مذاکره، بخشش و واگذاری نمی‌دانند. مواضع قاطعانه ایران و ترکیه در قبال موضوع کردستان از یک‌سو و تحرکات سیاسی، امنیتی، اطلاعاتی و حتی نظامی اکراد در عراق که گاهی از تجهیزات نظامی چشمگیر و قابل توجهی برخوردارند، سبب ایجاد تنش‌های نسبتاً گسترده‌ای شده است.

اقلیم کردستان عراق، تعاملات گسترده‌ای با سران رژیم صهیونیستی از خود نشان داده است؛ به‌نحوی که استقرار برخی از تجهیزات جاسوسی صهیونیست‌ها در اقلیم کردستان و نزدیکی بیش‌ازپیش به مرزهای ج.ا.ایران، تهدید امنیتی بسیار مهمی برای ایران ایجاد نمود (محمدی، ۱۴۰۳: ۱۳۴).

در ژوئن ۲۰۱۴م. پس از تصرف موصل در شمال عراق توسط داعش و با عقب‌نشینی ارتش عراق، حکومت اقلیم کردستان به حمایت نظامی نیاز داشت؛ آنکارا در ابتدا برای ارائه کمک فوری مردد بود، درحالی‌که، «مسعود بارزانی»، رئیس اقلیم کردستان در سال

۲۰۱۴م.، عنوان داشت که ایران، اولین کشوری است که سریع‌تر از آمریکا، سلاح و مهمات، برای مبارزه با داعش در اختیار کرده‌ها قرار داده است (کولارد^۱، ۲۰۱۴).

با شکست داعش و آزادسازی اقلیم کردستان عراق، برخی اقدامات مقامات اربیل، موجب نارضایتی تهران گردید؛ اقداماتی همچون اعلام رفتارندوم استقلال اقلیم کردستان عراق، ارسال غیرقانونی تسلیحات به درون مرزهای کردستان ایران، احداث پایگاه‌های جاسوسی متعدد از سوی موساد با هدف رصد اطلاعاتی-نظامی ایران، تحریک اکراد تجزیه‌طلب و نهایتاً عدم رعایت حسن همجواری از سوی اقلیم کردستان عراق.

این اقدامات سران ج.ا.ایران را به اتخاذ چند رویکرد مهم در این رابطه مجبور نمود:

۱. دیدار و گفتگوهای مکرر سران سیاسی و نظامی ج.ا.ایران از اقلیم کردستان و انعقاد چند قرارداد نظامی و امنیتی؛

۲. تأکید ج.ا.ایران به رعایت مسائل مرتبط به حسن همجواری و عدم همکاری اقلیم کردستان با معاندین ج.ا.ایران؛

۳. تذکرات پیاپی به سران اقلیم کردستان عراق در خصوص حضور نیروهای موساد در این اقلیم؛

۴. آگاهی یافتن از تجهیزات نظامی-امنیتی که به‌صورت غیرقانونی از سوی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی به اقلیم کردستان.

با وجود هشدارهای جدی مقامات سیاسی و امنیتی ایران نسبت به هرگونه تلاش برای ایجاد ناامنی، روند تشدیدشده فعالیت‌ها و اقدامات جاسوسی موساد در اقلیم کردستان عراق، موجب ترور چندین مستشار نظامی ایران در عراق، سوریه و حتی داخل خاک ایران گردید. از دیگر سو، تشدید فعالیت‌های قاچاق اسلحه و نفوذ آن به درون مرزهای ج.ا.ایران و نهایتاً افزایش تحرکات تروریستی که منشأ آن اقلیم کردستان عراق بوده، ج.ا.ایران را ناگزیر به اقدامات نظامی و حملات موشکی به اقلیم کردستان کرد (ناواساردیان^۲ و همکاران، ۲۰۲۴: ۳۸). حملاتی که بسیار شدید و خسارت‌بار بود.

1. Collard

1. Navasardyan

بررسی نتایج مربوط به عوامل تهدیدکننده امنیت ج.ا.ایران از ناحیه اقلیم کردستان عراق نشان می‌دهد که حضور و برقراری روابط بین اقلیم کردستان با کشورهای آمریکا، انگلیس، عربستان و رژیم اشغالگر قدس، اصلی‌ترین عوامل تهدید این اقلیم برای کشور به‌شمار می‌آید (اسدی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۸). پیامد این موضوع در سه سطح قابل بررسی است:

❖ نخست، ج.ا.ایران در قبال هرگونه تحرکات امنیتی، سیاسی و نظامی در قبال مرزهای خود به‌هیچ‌عنوان مدارا و ممانعت نخواهد کرد و هرگونه پایگاه نظامی، امنیتی و سیاسی که کانون تحرکات ضد ایرانی محسوب گردد، با اقدامات نظامی گسترده مواجه خواهد شد.

❖ دوم، ج.ا.ایران در این اقدام، به سران اقلیم کردستان این موضوع را اثبات نمود که رعایت حسن همجواری، تعاملات و ارتباطات سازنده میان طرفین منوط به رعایت مسائل اولیه امنیتی-نظامی است؛ لذا هشدارهای ایران صرفاً بعد تهدید نداشته و مرحله اقدام پس از هشدار قطعی است.

❖ سوم؛ ج.ا.ایران به همه‌ی کشورهای منطقه این موضوع را اعلام کرد که هدفی برای ایجاد تنش، بحران و جنگ ندارد اما در مسائل امنیتی هر کشوری از منطقه که مرزهای جغرافیایی خود را کانونی برای توطئه علیه ایران قرار دهد با پاسخ لازم، فوری و قطعی مواجه خواهد شد.

۲-۱-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر اساس مناطق حساس؛ عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین اشغالی

بر اساس مدل رفتاری مک‌کول، مناطق حساس غالباً اهمیتی همچون مناطق جنگی دارند، اما تمایز عمده این منطقه با مناطق جنگ در نوع رفتار است؛ به این معنا که میان حمله و خواست برای مذاکره، تردید وجود دارد. درحالی‌که منطقه جنگ، قابل مذاکره نیست و برای حفظ، بقا و کنترل آن ضروری است. در حقیقت عامل تمایز این مناطق از مناطق جنگ فارغ از ارزش ذاتی این مناطق، تصمیم، خواست و اراده انسانی است که در مواقعی

برای برخی مناطق چنین ارزشی را قائل می‌شود. در این رابطه، نویسندگان به تحلیل رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال کشورهای سوریه، لبنان، عراق، یمن و فلسطین اشغالی مبادرت نمودند.

پس از جریان‌ات منتهی به بیداری اسلامی یا بهار عربی، طیفی از وقایع امنیت-نظامی منطقه خاورمیانه را فراگرفت، به نحوی که گذشته از سقوط بسیاری از رژیم‌های منطقه، ظهور امواج تروریسم بسیاری از کشورهای منطقه را درگیر خود نمود. در این میان کشورهای سوریه، عراق و لبنان به مثابه متحدین راهبردی ج.ا.ایران به دلایلی همچون تکرر قومیتی، دولت شکننده، ضعف ساختاری در تقسیم قدرت، ارتش ناکارآمد و مسائل دیگری همچون فقر، نارضایتی از حکومت و نیز تهییج و حمایت گسترده گروه‌های مخالف از سوی نیروهای بیرونی با بحران امنیتی گسترده‌ای مواجه شدند به نحوی که در اندک زمانی کوتاه، بخش بسیار مهمی از سوریه و عراق تحت سیطره داعش درآمد و خلافت اسلامی آنان رسماً در عراق و سوریه شکل گرفت (سام دلیری و داوند، ۱۳۹۹: ۳۸۱).

رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در این بازه زمانی حمایت گسترده نظامی، اقتصادی، لجستیکی و امنیتی از متحدین خود بوده است. در تبیین این رفتار می‌توان دلایل اصلی ذیل را برشمرد:

❖ ج.ا.ایران بر اساس مبانی سیاسی، فقهی و تشریعی (فقه شیعه) همواره خود را متعهد به حمایت، حفاظت و حراست از جنبش‌های آزادی‌خواه و مسلمان مبارز با استکبار جهانی به ویژه ایالات متحده، انگلیس و رژیم صهیونیستی می‌داند. این امر از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه و تأکید رهبران ایران قرار گرفت. این اصل تا آنجا مورد اهمیت و تأکید قرار گرفت که اصل ۱۵۴ قانون اساسی ج.ا.ایران به این موضوع اختصاص یافت؛

❖ حضور و حمایت ج.ا.ایران از کشورهای عراق و سوریه بر اساس درخواست رسمی و تقاضای دولتمردان آن کشورها صورت پذیرفت؛ که به لحاظ مبانی حقوقی و سیاسی در عرصه روابط بین‌الملل، مشروعیت‌بخش است. بر این اساس، دولت‌های سوریه و عراق پس از فراگیری و شیوع امواج تروریسم به سبب ضعف فزاینده به ویژه در مسائل

نظامی و امنیتی از یک‌سو، و تجهیزات گسترده و عمیق نظامی لجستیکی نیروهای تروریستی که از سوی کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی تجهیز شده بودند، علناً توانایی مقابله و ایستادگی در برابر آنان را نداشتند (خلیلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۷۶-۷۷). از طرفی، دستاوردهای وسیع ایران در حوزه نظامی-امنیتی بهترین رویکرد جهت تقابل، ایستادگی و مقاومت در برابر تروریسم داعش بود؛ نکته دیگر آنکه در شرایط مذکور، هرچند ایران، سریعاً به درخواست دولت‌های عراق و سوریه پاسخ مثبت داد، با این حال، دیگر کشور به‌موقع در حملات به گروه داعش، وارد نشدند.

❖ حضور و حمایت‌های گسترده ج.ا.ایران در برابر تروریسم داعش از متحدین راهبردی خود، عامل مهم دیگری با عنوان پیشگیری از شیوع تروریسم به مرزهای ج.ا.ایران نیز داشت. در این معنا، ایران با اقدام به حمایت گسترده از متحدین خود از جمله عراق، سوریه، یمن، حزب‌الله لبنان و گروه‌های هم‌سو در فلسطین اشغالی، تنها قدرت بازدارندگی ایران را افزایش نمی‌دهد بلکه از سرایت ناامنی و حضور گسترده تروریسم در مرزها و حتی به درون کشور جلوگیری به‌عمل می‌آورد، کما اینکه به‌رغم تلاش‌های بسیار در این رابطه، بعضاً نیروهای داعش به درون مرزهای کشور رسوخ و اقدامات تروریستی را نیز با موفقیت به انجام رساندند. اما واقعیت این است که یکی از راهبردی‌ترین رویکردهای ج.ا.ایران ممانعت از حضور و نفوذ جریان‌ات تروریستی-تکفیری به درون مرزهای کشور بوده است تا مقابله و مقاومت در خارج از مرزهای کشور محقق شود.

❖ به لحاظ مبانی ایدئولوژیکی نیز هویت جمهوری اسلامی با مباحث عقیدتی-مذهبی تشیع پیوند خورده است و دوره نوین شکل‌گیری عناد، خصومت و تعمیق چالش‌های ایدئولوژیکی، امنیتی و نظامی دول اسلامی با رژیم صهیونیستی، پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م. شکل گرفت و این‌بار شیعیان، خود را حامیان اصلی آزادی فلسطین و مبارزه با صهیونیست‌ها معرفی نمودند (بندری و عالی‌شاهی، ۲۰۲۴: ۳). از طرفی، حضور نمادهای مذهبی و هویت‌بخش دینی ج.ا.ایران در عراق و سوریه

همچون بقاع متبرکه شیعیان در عراق و سوریه و تهدید داعش به تخریب و ازبین‌بردن این نمادها، عامل بسیار مهم دیگری جهت حضور ج.ا.ایران در دفاع و حراست از این نمادهای هویت‌بخش دینی بوده است. این موضوع تا آنجا حائز اهمیت است که رزمندگان مقاومت با عنوان «مدافعین حرم» در مبارزه با داعش حضور می‌یافتند.

۳-۱-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران بر اساس منطقه عقب‌نشینی

مناطق عقب‌نشینی معمولاً در مکان‌هایی قرار دارند که برای دولت‌ها حائز اهمیت چندانی نیستند؛ البته بایستی به این موضوع مهم اذعان داشت که مقصود از میزان کم‌اهمیتی، فقدان اهمیت نیست بلکه نسبت به منطقه جنگی و حساس از اهمیت کمتری برخوردار است. بر این اساس، می‌توان در قبال این مناطق، راهبردهایی همچون مذاکره، سازش، صلح و گفتگو را طرح و به اجرا گذارد. در این بخش، نویسندگان رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران را در قبال دو کشور افغانستان و بحرین مورد بررسی قرار خواهند داد.

۳-۱-۴-۱. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال بحرین

به‌رغم آنکه اکثر جمعیت بحرین را شیعیان تشکیل می‌دهند، رژیم آل خلیفه به اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه شیعیان این کشور مبادرت می‌کند. بحرین مانند هر پنج کشور عربی دیگر واقع در حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس، تحت یک نظام پادشاهی سنی اداره می‌شود. برخلاف دیگر کشورهای عرب منطقه، اکثر جمعیت بحرین شیعه هستند؛ یک جمعیت ناراضی شیعه که اقدامات دولت سنی در سالیان اخیر بیش از هر زمان دیگر به دامنه‌ی ناراضی‌های آنان افزوده است. اوضاع حقوق‌بشری در بحرین بسیار بد است و این شرایط برای شیعیان به مراتب بدتر است (درج و یزدانی، ۱۳۹۷: ۳۲).

به دلیل حضور ناوگان پنجم آمریکا در منطقه و حمایت مطلق دولت عربستان سعودی از حکومت بحرین، ج.ا.ایران به دلایل زیر تمایلی به ایجاد تنش‌های امنیتی-سیاسی با دولت‌های مذکور نخواهد داشت:

❖ هرگونه مداخله و حضور ج.ا.ایران به‌صورت مستقیم در بحرین شرایط را به

سمت یک بحران امنیتی منطقه‌ای سوق خواهد داد؛

- ❖ حضور و مداخله ج.ا.ایران شرایط و بسترهای لازم برای حضور و مداخله ایالات متحده را فراهم خواهد کرد؛
 - ❖ این موضوع از بعد حقوق بین‌الملل و مناسبات دیپلماتیک، وجاهت ج.ا.ایران را خدشه‌دار خواهد کرد؛
 - ❖ اقدامات تحریک‌برانگیز ج.ا.ایران در بحرین به تشدید سیاست‌های سرکوب و بایکوت شیعیان این کشور از سوی دولت آل‌خلیفه منجر خواهد شد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۴-۳۵).
- بنابراین رویکرد ج.ا.ایران در قبال بحرین عبارت‌اند از:
- ❖ حمایت‌های تلویحی-رسانه‌ای از شیعیان این کشور؛
 - ❖ تهدید سران کشور بحرین به هرگونه حضور و فعالیت رژیم صهیونیستی در مرزهای آن؛
 - ❖ احترام متقابل و تلاش برای تنش‌زدایی و رعایت حسن همجواری.

۱-۳-۴. رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال افغانستان

در خصوص افغانستان، مسائل سه‌گانه اقتصاد، سیاست و امنیت، در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی در دو دهه اخیر، حائز اهمیت است. دامنه چالش‌ها و بحران‌های کشور افغانستان به میزانی است که در مسائلی همچون بحران حقوق بشر، دولت شکننده، قاچاق، پناهندگی و شاخص‌های عدم توسعه، این کشور را در رده‌های نخست جهانی قرار داده است. از طرفی، دولت‌های مختلف حاکم بر این کشور اعم از اسلام‌گرایان، کمونیست‌ها و حتی حامیان غربی نیز دستاورد چندانی برای موفقیت و دستیابی به حداقل شاخص‌های توسعه از خود نشان ندادند (شعبان^۱، ۲۰۲۴: ۴).

علاوه بر این، سیر تطورات سیاسی افغانستان شرایط را برای بسط فعالیت‌های امنیتی تروریستی مهیا و در اندک زمانی، این کشور به کانون نخست فعالیت‌های تروریستی مبدل شد، تا جایی که دامنه تهدیدات امنیتی گروه‌هایی همچون القاعده و بیش از بیست گروه

تروریستی دیگر-با نیرویی بیش از پنجاه هزار تروریست-افغانستان را به مرکز ثقل چالش‌های امنیتی-تروریستی تبدیل کرد.

چنین وضعیتی در افغانستان، نگرانی‌های عمیق سازمان‌های بین‌المللی، قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای اعم از ج.ا.ایران، هند، پاکستان، چین، روسیه و ایالات متحده را به همراه داشت و در نهایت نیز آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، در راستای نابودی القاعده به افغانستان حمله نظامی نمود؛ اما نه حمله ایالات متحده و اشغال افغانستان توانست تروریسم نهادینه شده در این کشور را ریشه‌کن نماید و نه در ادامه دولت‌های بعدی همچون «اشرف غنی» توانستند افغانستان را از بحران عمیق خارج نمایند (شیخ^۱، ۲۰۲۴: ۱۶۶).

با این حال، رفتار ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال افغانستان از سه منظر کلان قابل بحث و بررسی است؛

- ❖ نخست؛ تا جایی که این کشور به لحاظ مسائل امنیتی-تروریستی تهدیدی بالقوه برای ایران محسوب نگردد، حضور و مداخله رسمی ج.ا.ایران در این کشور صورت نخواهد پذیرفت؛ هرچند با خروج آمریکا در سال ۲۰۲۱م، حضور داعش در این کشور افزایش یافته است.
- ❖ دوم؛ راهبرد اساسی ج.ا.ایران در قبال افغانستان، خروج سریع‌تر نیروهای آمریکایی و ناتو از این کشور بود که عاقبت در سال ۲۰۲۱م. محقق شد.
- ❖ راهبرد سوم در قبال افغانستان، سیاست حمایت و عدم سرکوب شیعیان این کشور از سوی پشتون‌ها بود.

با توجه به این سه نکته می‌توان دریافت: خروج نیروهای آمریکایی و ناتو از افغانستان (و سقوط دولت غرب‌گرای اشرف غنی) نسبت به استیلای امارت اسلامی دوم طالبان، دستاوردی مهم‌تر برای منافع ملی و امنیتی ج.ا.ایران قلمداد می‌شود؛ آن‌گونه‌که، افغانستان کنونی، قابلیت بحث، مذاکره، چانه‌زنی و صلح و سازش را برای ایران دارد؛ زیرا اول، هدف مهم خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان محقق گردید؛ دوم، طالبان در تعهدات

خود به ج.ا.ایران در موضوع شیعیان این کشور و مسائل امنیتی تا حدودی پایبندی نشان داده است. این موضوع برای طالبان نیز حائز اهمیت است زیرا آنها سعی در کسب وجاهت قانونی در سطح بین‌المللی و نیز مشروعیت در بعد داخلی دارند. به همین سبب به نظر می‌رسد مجموعه اقدامات افراطی مبتنی بر خشونت، جنگ‌طلبی، سرکوب مخالفان داخلی و ناامنی در مرزها، که پیشتر در دوران امارت اسلامی اول از سوی طالبان اعمال می‌شد، در امارت اسلامی دوم تا حد بسیار زیادی تعدیل گردید.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال اصلی بوده است که؛ «رفتارهای ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در خاورمیانه به‌ویژه در دوران پساایداری اسلامی را چگونه می‌توان تحلیل و تبیین نمود؟» نویسندگان با مبنا قرار دادن مدل رفتاری «رابرت ویلیام مک‌کول» در چارچوب واقع‌گرایی، سه نوع رفتار ژئوپلیتیکی برای ایران در این بازه زمانی در نظر گرفتند. ۱. رفتار نخست بر اساس منطقه جنگی است. مقصود از «منطقه جنگ»، منطقه‌ای است که منافع امنیتی، هویت و بقای ج.ا.ایران را با تهدیدات بالقوه مواجه کرده است. بر این اساس، اقدامات و تحرکات امنیتی گروه‌های تروریستی در شرق کشور که با اقدامات ضد امنیتی گسترده خود طیفی از چالش‌های گوناگون را در این مناطق ایجاد کرده‌اند، در این دسته‌بندی قرار می‌گیرد. این موضوع در خصوص اقلیم کردستان عراق که جولانگاه فعالیت‌های گروه‌های تجزیه‌طلب کرد و مقری برای فعالیت‌های جاسوسی موساد محسوب می‌شود، مصداق می‌یابد. اقدامات ج.ا.ایران در حمله به پایگاه‌های گروه‌های تروریستی در اقلیم کردستان عراق، بخشی از واکنش سخت به تهدید امنیتی مرزهای ایران بود. هشدار مقامات ایرانی در واکنش به ادعاهای بی‌اساس امارات متحده عربی، نسبت به جزایر سه‌گانه ایرانی (تنب کوچک، تنب بزرگ و ابوموسی) و مستقر نمودن تجهیزات و تسلیحات نظامی در جزایر ایرانی موردنظر، نشان از جدیت ایران در حراست از تمامیت ارضی خود است.

۲. بر اساس مدل رفتاری مک‌کول، منطقه دوم، «منطقه حساس» است که همچون منطقه جنگی دارای اهمیت راهبردی است؛ اما بسته به نوع اقدام و تصمیم کنشگران ممکن است

از شدت کمتری برخوردار باشد. بر این اساس حضور و فعالیت جمهوری اسلامی در کشورهای عراق، سوریه، لبنان، یمن و حمایت همه‌جانبه از تأسیس کشور مستقل فلسطین و مبارزان فلسطینی در نوار غزه (در مقابل رژیم صهیونیستی)، که به‌مثابه منطقه حساس برای ج.ا.ایران در نظر گرفته شده‌اند، عواملی همچون مسائل امنیتی، هویتی، فرهنگی، نظامی، راهبردی و حقوقی ایران را مجاب به حضور و حمایت گسترده از این کشورها و مناطق به‌ویژه در مقابله با تروریسم داعش و رژیم صهیونیستی نمود.

۳. سرانجام بر اساس مدل رفتاری مذکور، منطقه سوم که با عنوان منطقه «عقب‌نشینی» از آن یاد می‌شود، از اهمیت کمتری نسبت به دو منطقه دیگر برخوردار بوده و قابلیت مذاکره، صلح و سازش و چشم‌پوشی را داراست. بر این اساس، کشورهای بحرین، افغانستان و مصر ذیل این منطقه قرار گرفتند؛ زیرا اولاً؛ منافع امنیتی ج.ا.ایران را با تهدید مواجه نکرده و ثانیاً؛ بر اساس خروج آمریکا از افغانستان و تعهد بحرین در عدم حضور نیروهای صهیونیستی در خاک این کشور تا حدی تهدیدات امنیتی علیه ایران کمرنگ شده است. از سویی دیگر، انقلاب مصر، به دلیل حساسیت‌ها و نفوذ کشورهای غربی، کشورهای عربی و همچنین تفکرات انقلابیون مصری و سلفی‌ها، قدرت مانور ج.ا.ایران را، در این رابطه به حداقل ممکن رسانده بود و تهدیداتی نیز متوجه ایران نمی‌شد.

تبیین راهبردهای ج.ا.ایران در قبال مناطق مذکور از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار است. نویسندگان در قسمت زیر به اجمال بدان اشاراتی خواهند نمود:

❖ راهبرد ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال منطقه مرزی پاکستان

۱. راهبرد اصلی ج.ا.ایران در قبال مناطق مرزی با پاکستان عبارت‌اند از: اصل عدم نفوذ و سرایت ناامنی‌ها؛ ممانعت از نفوذ و تردد بیش‌ازپیش گروه‌های تروریستی به درون مرزهای ج.ا.ایران؛

۲. تلاش برای هرگونه دامن زدن به اقدامات ناسیونالیستی با تأکید بر ژئوپلیتیک بلوچستان؛

۳. جلوگیری از هرگونه تضاد ایدئولوژیکی اعم از بسط اندیشه‌های وهابی و سلفی و شکاف شیعه-سنی؛

۴. تلاش برای توسعه روابط راهبردی با دولت پاکستان در دو موضوع حفاظتی، امنیتی و توسعه مسائل اقتصادی با تأکید بر جاده ابریشم و خلیج فارس.

❖ راهبرد ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال جزایر سه گانه

۱. برخورد قاطع با هرگونه ادعاهای سیاسی، حقوقی و امنیتی از سوی کشورهای خلیج فارس؛

۲. تلاش برای توسعه راهبرد امنیتی-نظامی در جزایر سه گانه؛

۳. تلاش برای رصد اطلاعاتی-نظامی تحرکات آمریکا و رژیم صهیونیستی در خلیج فارس؛

۴. تقویت پایگاه‌های نظامی مستقر در جزایر سه گانه.

❖ راهبرد ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال اقلیم کردستان عراق

۱. ممانعت از هرگونه تنش سیاسی، امنیتی و نظامی؛

۲. تلاش برای توسعه مسائل فرهنگی و اقتصادی؛

۳. رصد جامع تحرکات اطلاعاتی در منطقه اقلیم کردستان عراق.

❖ راهبرد ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین اشغالی

۱. ارتقا توانمندی نظامی متحدان راهبردی ج.ا.ایران به‌ویژه در عراق، یمن و لبنان در قالب

ارتقا قدرت بازدارندگی در برابر تهدیدات رژیم صهیونیستی؛

۲. تلاش گسترده با هدف مبارزه با گروه‌های تروریستی همچون داعش و النصره و... تلاش

برای ممانعت از ظهور و قوام گروه‌های سلفی-تکفیری جدید.

❖ راهبرد ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال افغانستان

۱. تلاش برای ایجاد ثبات، امنیت در افغانستان پس‌آمریکا؛

۲. تلاش برای ممانعت از حضور و مداخله نظامی مجدد آمریکا و ناتو در افغانستان؛

۳. ممانعت از هرگونه اقدامات تحریک‌کننده دولت جدید طالبان در اتخاذ و اعمال

سیاست‌های سرکوب شیعیان افغانستان؛

۴. تلاش برای ممانعت از شکل‌گیری و قوام گروه‌های تروریستی همچون داعش در افغانستان.

۵. تلاش برای بسط روابط اقتصادی، فرهنگی و هویتی در افغانستان.

❖ راهبرد ژئوپلیتیکی ج.ا.ایران در قبال بحرین

۱. تلاش برای اقناع سیاسی، امنیتی و نظامی بحرین در راستای ممانعت از هرگونه فعالیت‌های مبتنی بر حضور نظامی، امنیتی و جاسوسی رژیم صهیونیستی از طریق بحرین در خلیج فارس؛

۲. ممانعت از هرگونه اقدامات تحریک‌کننده رژیم آل خلیفه در اعمال خشونت و سرکوب بیشتر علیه شیعیان بحرین؛

۳. تلاش برای بسط مفاهیم و تعامل با دولت بحرین در راستای حفظ حقوق و احترام شیعیان این کشور؛

۴. تلاش برای بسط مسائل مشترک هویتی، فرهنگی و مذهبی.

منابع

الف - فارسی

- اخباری، ملیحه؛ زرقانی، هادی؛ مینائی، مسعود (۱۳۹۹). «بررسی میزان تأثیر عوامل طبیعی در امنیت مرزهای شرقی ایران با استفاده از سنجش از دور (نمونه موردی منطقه مرزی خراسان رضوی-افغانستان)»، *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*، ۲(۳)، ۱۹۰-۲۰۶.
- اسدی‌فرد، محمد؛ جوانمرد، محمد؛ زمانی، سید محمد (۱۴۰۱). «بررسی تهدیدات امنیتی اقلیم کردستان عراق بر کردستان ایران»، *پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی*، ۱۱(۲۲)، ۵۹-۸۱.
- بهروز، صمد (۱۳۹۸). «مؤلفه‌های تأثیرگذاری حداکثری انقلاب اسلامی ایران بر حزب‌الله لبنان»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۸(۲۸)، ۲۵-۴۷.
- بندری، مرتضی؛ پاکزاد، فاطمه؛ پاکزاد، زهرا؛ و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۳). «طراحی الگوی سیستمی بازدارندگی امنیتی در سیاست خارجی جمهوری بر اساس عملیات وعده صادق»، *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۱۱(۳۳)، ۱-۲۹.
- جاوید، محمدجواد؛ محمدی، عقیل (۱۳۹۵). «ارزیابی قابلیت اجرایی اصل ۴۵۱ قانون اساسی (ج.ا.ایران) در حقوق بین‌الملل معاصر»، *مطالعات حقوق عمومی*، ۴۶(۱)، ۷۱-۸۹.
- خلیلی، رضا؛ شیخ‌زاده، حسین؛ مزینی، محمد (۱۴۰۲). «بررسی مقایسه‌ای راهبرد ایران و آمریکا در مقابله با داعش»، *مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی*، ۱۳(۵۲)، ۹۵-۷۰.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۴۰۲). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: سمت.
- درج، حمید؛ یزدانی، عنایت‌الله (۱۳۹۷). «تحلیل استراتژی ایالات متحده آمریکا در قبال جنبش مردمی بحرین»، *رهافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۰(۵۸)، ۳۶-۱۲.
- رضاپور، دانیال (۱۴۰۳). «مناسبات سیاستی-امنیتی ایران و پاکستان در جنوب غرب آسیا؛ دلایل و پیامدها»، *فصلنامه سیاست*، ۵۴(۴)، ۶۲۲-۵۹۹.
- صادقی، سید شمس‌الدین؛ احمدیان، قدرت؛ زارع، ساراو (۱۳۹۸). «راهبرد عربستان سعودی در بحرین و تأثیر آن بر جبهه مقاومت»، *مطالعات دفاع مقدس*، ۵(۴)، ۲۹-۴۵.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۷). «اصالت صلح در اندیشه سیاسی اسلام و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۸(۳)، ۶۸۹-۶۷۱.

- سام‌دلیری، کاظم؛ داوند، محمد (۱۳۹۹). «الگوهای رفتاری گروه تکفیری- تروریستی داعش در حوزه دفاعی-امنیتی ج.ا.ایران تا ۱۴۰۴»، *امنیت ملی*، ۱۰(۳۶)، ۳۷۷-۴۰۸.
- سانسین، کاس (۱۴۰۱). *علوم رفتاری و برنامه‌ریزی سیاسی*، ترجمه نرگس زیباطینت، تهران: اندیشه احسان.
- شاملو، رضا (۱۴۰۳). «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس»، *مطالعات جنگ*، ۶(۲۰)، ۱-۲۸.
- صفری برمچی، مهدی؛ واثق، محمود؛ زارعی، بهادر (۱۴۰۳). «امکان‌سنجی اتخاذ رویکرد ژئوپلیتیک در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه اسلامی روابط بین‌الملل»، *سیاست خارجی*، ۳۸(۲)، ۳-۳۶.
- قربانی، مهدی؛ بخشایش اردستانی، احمد؛ طبرسا، نقی (۱۳۹۸). «جزایر سه‌گانه ایرانی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران: سیاست تهاجمی یا تدافعی؟»، *مطالعات سیاسی*، ۱۱(۴۳)، ۷۱-۹۰.
- قبری، هادی؛ رضایی، علیرضا؛ ترابی، قاسم (۱۴۰۲). «فرصت‌ها و تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان عراق با توجه به حضور اسرائیل»، *سیاست جهانی*، ۱۲(۴)، ۳۹-۵۹.
- گل‌کرمی، عابد؛ متقی، افشین (۱۴۰۱). «تبیین طیف رفتاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس: تقابل سیاست خارجی وضعیت محور و ژئوپلیتیک موقعیت محور»، *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۵۴(۱)، ۹۵-۱۱۴.
- گریفیتس، مارتسن (۱۴۰۳). *نظریه روابط بین‌الملل برای سده بیست‌ویکم*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- محمدی، احد (۱۴۰۳). «تحلیل روند شکل‌گیری و تحول احزاب اقلیم کردستان عراق و فعالیت پارلمانی آنها»، *پژوهش‌های نوین سیاست جغرافیایی*، ۱(۱)، ۱۲۵-۱۴۴.
- ملاقدیمی، علی‌رضا؛ ذاکریان، مهدی؛ احمدی، حمید (۱۴۰۳). «نقش رقابت‌های ژئوپلیتیکی در تهاجمی شدن سیاست خارجی عربستان در قبال ایران»، *مطالعات بین‌المللی*، ۲۱(۲)، ۱۸۱-۱۹۹.
- میرحیدر، دره (۱۴۰۳). *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران: سمت.
- یورگنسن، کنود ایریک (۱۴۰۲). *درآمدی نو به نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه وحید بزرگی، تهران: جوینده.
- یوسفوند، یعقوب؛ مهدیان حسین؛ یوسفوند، ایوب (۱۳۹۸). «نظم بحرانی و پیامدهای راهبرد دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست دفاعی*، ۲۸(۱۰۹)، ۱۱۳-۱۳۷.

ب- انگلیسی

- Aras, B.; Kardas, S. (2021). "Geopolitics of the New Middle East: Perspectives from Inside and Outside", *Journal of Balkan and Near Eastern Studies*, 23(3), pp. 397-402.
- Bandari, M.; Alishahi, A. (2024). *Beyond Ideologies, Investigating the nature of relations between Iran and Pakistan based on security challenges*, London: Lambert.
- Collard, Rebecca (2014). "The Enemy of My Enemy: Iran Arms Kurds in Fight against ISIS", Available at: <http://time.com/3196580/iran-kurds-isis-erbil-iraq/>.
- Clayton, T. (2024). *Iran: Background and U.S. Policy*, Washington. D.C: Congressional Research Service.
- Gurbuz, Mustafa (2023). *Turkey's Ambitions in Iraq Play out in Kirkuk*, Washington DC: Arab Center Washington DC.
- Hadad, H. (2024). "Proxy battles: Iraq, Iran, and the turmoil in the Middle East", *Journal of East and North Africa*, 26(4), pp. 43-60.
- Krupenkin, K.; Hill, S.; Rothschild, D. (2023). "Do Partisans Make Different Investment Decisions When Their Party is in Power", *Journal of Political Behavior*, 46(3), pp. 1531-1561.
- McColl, R. (2014). *Tension Areas of the World*, London: SAGE.
- McColl, R. (2012). *Pluralism and Political Geography*, New York: Park Press.
- McColl, R. (2009). *East Asia: Geographical and Historical Approaches to Foreign Area Studies*, New York: Kendall-Hunt Publishing.
- McColl, R. (2008). *Contributor to periodicals, including Arab World Geographer*, New York: Westview Press.
- McColl, R. (2000). *Geographical Review, Southeast Asian Spectrum, Human Behavior*, New York: Park Press.
- Michalski, P.; Marchlewska, M.; Szczepanska, D.; Rogoza, M.; & Molenda, Z. (2023). "When Politics Affects the Self: High Political Influence Perception Predicts Civic and Political Participation", *Journal of Social and Political Psychology*, 11(2), pp. 516-533.
- Navasardyan, N.; Manukyan, T.; Eurasia, C. (2024). "Resumption of the Kurdish card in Iranian-Iraqi relations: complex interplay, pre-referendum realities", *Journal of Contemporary Eurasia*, 12(2), pp. 31-45.

- Poul, G.; Kiakojouri, D.; Taghipourian, M. J. (2023). "Designing Internal Relationships between Causes and Strategies of Political Behavior in the Public Sector Using Interpretive -Structural Modeling (ISM)", *International Journal of Innovation Management and Organizational Behavior*, 3(4), pp. 44-52.
- Pillar, Paul R. (2017). *In Bahrain, Confrontation for the Sake of Confrontation*, the national interest, Available at: <https://nationalinterest.org/blog/paul-pillar/bahrain-confrontation-the-sake-confrontation-19964/>.
- Shaaban, A. (2024). "Editorial Note: Sustainable Development in Western Asia and Afghanistan", *Journal of Regional Science Policy & Practice*, 16(2), pp. 1-13.
- Shaikh, S. (2024). "Taliban insurgency in Afghanistan: Characteristics, actions and battlefield operationalization", *Journal of Comparative Strategy*, 43(3), pp. 164-182.